



کربلای کاظم،

ایت حق

بازنگری مستندات موجود در وائحه - افظ کل قرآن شدن
کربلایی محمد کاظم کریمی ساروقی با عناوین الهی در یک لحظه

گردآوری:

محمد حسن گودرزی و مهین محمدی

سرشناسه: محمدحسن گودرزی (۱۳۵۲)، مهین محمدی (۱۳۴۴)
عنوان و نام پدید آور: کربلایی کاظم، آیت حق - بازنگری مستندات موجود در واقعه‌ی حافظ کل قرآن ش‌س‌دن
کربلایی کاظم کریمی ساروقی با عنایت الهی در یک لحظه / گردآورندگان: محمدحسن گودرزی، مهین محمدی
مشخصات نشر: اراک: اندیشه مطهر، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۳۷۶ ص.

شابک: ISBN ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۴۴-۶۰-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر

شناسه افزوده: موسسه فرهنگی قرآن و عترت اصحاب الثقلین اراک

یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.ntai.ir> قابل دسترسی است.

ده بندی کنگره: BP/۸۱/۵/۱۳۹۵۴۷۹

بندی یوبی: ۱۹۲۴/۲۹۷

سما: کتابشناسی ملی: ۴۴۴۳۵۸۴

تلف: ۰۸۶-۳۲۲۱۶۰۱۸ - همراه: ۰۹۱۸۳۶۲۲۴۵۲

♦ کربلایی کاظم، آیت حق

♦ نویسنده: محمدحسن گودرزی، مهین محمدی

♦ ناشر: انتشارات اندیشه مطهر

♦ ویراستار فنی: ملیحه جعفری، دکتر محسن ذوالفقاری

♦ صفحه آرا: داود ریخا

♦ حروف چینی: زینب احمدی، سیما عطاری

♦ نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۵

♦ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

♦ چاپخانه: گنج معرفت

♦ قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

♦ شابک: ISBN ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۴۴-۶۰-۳

♦ حق چاپ برای موسسه فرهنگی قرآن و عترت اصحاب الثقلین اراک محفوظ است

♦ وب سایت: www.akefoon.ir

♦ <https://telegram.me/akefoon>

♦ مراکز پخش: اراک خیابان هیکو خیابان شهید بهشتی فاز ۱ فرهنگسرای آینه موسسه اصحاب الثقلین

♦ ۰۸۶۳۳۱۲۱۸۰۰ تلفن ۰۹۱۸۹۶۱۲۴۵۸

♦ میدان شهدا پاساژ اسلامی طبقه سوم انتشارات اندیشه مطهر



فهرست مطالب

۱۱.....	سخن آغازین
۱۵.....	چکیده
۱۷.....	مقدمه
۲۴.....	تجلی اعظم تدوینی حق تعالی

بخش اول (کربلایی کاظم و واقعه‌ی حفظ)

۳۳.....	فصل اول (کربلایی کاظم چه کسی بود؟)
۳۵.....	زندگی امه
۳۷.....	ویژگی‌های شخصیت
۴۷...۴۸	فصل دوم (چگونگی حافظ آس شدن کربلایی کاظم به یک لحظه)
۴۹.....	واقعه‌ی حفظ

۶۱.....	فصل سوم (سفرها و دیدارها)
۶۴.....	سفرهای درون مرزی
۶۴.....	روستای سید شهاب
۶۵.....	تویسرکان
۶۵.....	ملایر
۶۶.....	اراک
۶۷.....	همدان
۶۷.....	کنگاور
۶۸.....	کرمانشاه

- تهران ۶۹
- کاشان ۷۱
- مشهد ۷۲
- قم ۷۳
- سفرهای بیرون مرزی ۷۵
- عراق ۷۵
- کویت ۷۷
- فصل چهارم (واژه‌های حفظ کربلایی کاظم) ۷۹
- ویژگی‌های خط ۸۱
- فصل پنجم (مصادیق مشابه کربلایی کاظم در تاریخ) ۱۰۳
- «زاذان» یا «بو عمره فارسی» ۱۰۵
- شرح داستان ۱۰۶
- افاضه قرآن مجید ۱۰۹
- داستان عجیب مفاتیح و قرآن ۱۱۰
- مرد نابینا ۱۱۳

بخش دوم (مصاحبه و دیدارها)

- فصل اول (شاهدان زنده) ۱۱۵
- علما و اندیشمندان ۱۱۸
- آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی ۱۱۸
- آیت الله جعفر سبحانی ۱۲۰
- آیت الله ناصر مکارم شیرازی ۱۲۱

آیت الله محمد تقی مصباح یزدی	۱۲۵
آیت الله حسین نوری همدانی	۱۲۷
آیت الله رضا استادی	۱۲۹
آیت الله محمد علی گرامی	۱۳۰
آیت الله عباس محفوظی	۱۳۱
آیت الله سید حسن طاهری خرم آبادی	۱۳۳
آیت الله سید محمد باقر ابطحی اصفهانی	۱۳۵
آیت الله احمد محسنی گرکانی	۱۳۶
آیت الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی	۱۳۸
آیت الله حاج میرزا ید الله دوزدوزانی	۱۳۹
آیت الله محمد علی میلانی	۱۴۰
آیت الله سید رضی نجومی	۱۴۲
آیت الله محمد الحائری جلیلی	۱۴۲
آیت الله سید محمد مهدی	۱۴۳
جناب حاج آقا سید جمال پایگانی	۱۴۴
سید اسماعیل علوی بروجردی	۱۴۴
حجت الاسلام و المسلمین شیخ حسن الدین لطیفی	۱۴۶
حجت الاسلام و المسلمین کمال الدین لطیفی	۱۴۸
حجت الاسلام و المسلمین محمد حجت	۱۴۹
حجت الاسلام و المسلمین سید صدرالدین بن اسادات	۱۵۰
حجت الاسلام و المسلمین حسن نامدار	۱۵۱
حجت الاسلام ابراهیم پیشوایی	۱۵۲
حجت الاسلام و المسلمین محمد باقر شریعتی سبزواری	۱۵۲
حجت الاسلام و المسلمین سید حسین شیخ الاسلام	۱۵۴
حجت الاسلام و المسلمین سید محمد نوری رحیم آبادی	۱۵۵
حجت الاسلام و المسلمین سید احمد رضوی	۱۵۵

- حجت الاسلام ولی الله فوزی تویسرکانی ۱۵۶
- شیخ محمد حسین خطیبی ۱۵۷
- خانواده و نزدیکان ۱۵۹
- حاج اسماعیل کریمی (پسر اول مرحوم کربلایی کاظم) ۱۵۹
- ابراهیم کریمی (پسر دوم مرحوم کربلایی کاظم) ۱۶۰
- اکبر کریمی (پسر سوم مرحوم کربلایی کاظم) ۱۶۱
- مشهدی اسماعیل کریمی خو ۱۶۱
- ربابه شریفی ۱۶۲
- ماجرای روقی ۱۶۳
- سومۀ شریفی ۱۶۴
- اهالی و آشنایان ۱۶۴
- سید کاظم محمدی ۱۶۴
- حاج محمد علی کریمی ۱۶۵
- حاج احمد نظری ۱۶۶
- کر معلی صالحی ۱۶۷
- حاج یوسف صالحی ۱۶۸
- شیخ علی فتحی ۱۶۹
- گنجعلی جعفری ۱۶۹
- عزیز الله صالحی ۱۷۰
- عباد الله بیات ۱۷۱
- حاج علی بیات ۱۷۱
- رضا اسماعیلی ۱۷۲
- حاج سید رسول حائری ۱۷۳
- آقای فرزند شاه محمدی ۱۷۴
- سید صفاء الدین شیخ الاسلامی ۱۷۴
- کربلایی عزت گمار ۱۷۵

۱۷۶	حاج اسماعیل افسری
۱۷۷	سید احمد فاطمی
۱۷۸	حاج غلامرضا بهزادیان
۱۷۹	حاج علی رحیم پور
۱۸۰	حاج محمدعلی مدّیر بلوری
۱۸۱	احمد علی منتظری
۱۸۲	محمدعلی مینایی پور
۱۸۲	مهندس حمید مستشاری
۱۸۵	فصل دوم (نامندان ثبت در تاریخ)
۱۸۷	آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره)
۱۸۹	آیت الله سید صدر ابن صدر
۱۹۰	آیت الله سید محمدحی خوانساری
۱۹۱	آیت الله سید محمد حسن کوهی
۱۹۲	آیت الله حاج سید عبدالکافی
۱۹۳	آیت الله خالصی زاده
۱۹۵	آیت الله سید محمد هادی میلانی
۱۹۶	آیت الله عبدالحسین امینی (صاحب الزمر)
۱۹۷	آیت الله سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی
۱۹۷	آیت الله سید محمد حسین طباطبائی
۱۹۸	آیت الله سید عبدالهادی شیرازی
۱۹۹	حجت الاسلام و المسلمین شیخ عباسعلی اسلامی
۲۰۰	شهید سید مجتبی نواب صفوی
۲۰۲	آیت الله حاج سید احمد زنجانی
۲۰۲	حاج میرزا حسن مصطفوی
۲۰۳	آیت الله حاج میرزا مهدی شیرازی

- آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی ۲۰۴
- عباس غله زاری ۲۰۵
- حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد رازی ۲۰۷
- شهید حجت الاسلام عبدالحسین واحدی ۲۰۸
- شیخ علیخان کبیر کویتی ۲۰۹
- آیت الله سید هبت الدین شهرستانی ۲۱۰
- آیت الله محمد باقر محسنی ملایری ۲۱۱
- شیخ صدرالدین حائری شیرازی ۲۱۲
- پیر مسور صوفی (چشم پزشک) ۲۱۳
- سید نصر الدین باکراد توپسرکانی ۲۱۴
- حجت الاسلام و المسلمین مجتبی محمدی عراقی ۲۱۵
- آیت الله زاده شیخ محمد باقر زاده مازندرانی ۲۱۵
- شیخ صدرالدین مملاتی ۲۱۶
- شاهدانی دیگر ۲۱۷
- فصل سوم (دستخط شاهدان و مؤیدان) ۲۱۹

بخش سوم (مستندات کتبی، صوتی و تصویری واقعه)

- فصل اول (کتب) ۲۶۹
- فصل دوم (مقالات) ۲۹۳
- فصل سوم (فیلم و عکس) ۳۲۳

بخش چهارم (منابع و مآخذ و ضمایم)

فهرست منابع و مآخذ	۳۴۱
الف) منابع مستقیم	۳۴۱
ب) منابع غیر مستقیم	۳۴۳
سیدی‌ها	۳۴۴
مقالات	۳۴۵
پایگاه‌های اینترنتی	۳۴۶
ضمایم	۳۴۹
لیست افراد و شخصیت‌ها	۳۵۱
لیست اسناد	۳۵۶
لیست اماکن، مراکز، پیگیری مصاحبه‌ها و گردآوری اسناد	۳۷۱
لیست همکاران و رابین	۳۷۶

سخن آغازین

۱) اِنَّكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ (۲) الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُوْنَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُوْنَ (۳) وَالَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِمَا اَنْزَلَ اِلَيْكَ وَمَا اَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْآخِرَةُ هُمْ يُوَفُّوْنَ (۴) اُولٰٓئِكَ عَلٰى هُدًى مِّنْ رَبِّهِمْ ؕ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ (۵)

قرآن شریف سراسر معجزه و تبیان، لکل شی و معجزه نبی مکرم اسلام و خاتم النبیین است در هر دوره و از ادوار تاریخ به اشکال و صور مختلف مورد حمله و تهاجم قرار گرفته است از آنجا که پیامبر اعظم (ص) را مجنون و شاعر نامیدند تا دوران کنونی که منشاء آن را الهام از درون و تجربه نبوی تصور کرده‌اند در سراسر تاریخ شاهد شباهت شرق شناسان و غربگرایان و ملحدان و خدا ناباوران به وحی الهی بوده‌ایم اما از آنجا که وعده خداوند حفظ و حراست از آیات حق می‌باشد. (نحن لحافظون) سراسر از فراز و فرود و شیطنت‌های شیاطین و ناآگاهان، کلام وحی با قاطعیت عبور کرده است تا در دل تاریکی جهل و کج اندیشی چراغی برای هدایت باشد. و هر از گاهی با تجلی‌های عینی و بصری راه را بر شبهه افکنان کج اندیش بسته است. در دوران معاصر هنگامی که از گوشه و کنار بر دین مبین اسلام حمله می‌کنند، مذهب جعلی راه می‌اندازند، برای تبیان، فرقان کاذب می‌آورند. آنگاه به اراده

خداوند متعال، فردی امّی و بیسواد در روستایی نه چندان نام آشنا روستایی مؤمن و باتقوا، مورد عنایت قرار می گیرد و نورانیت کلام وحی در روح و جاننش تبلور پیدا می کنند. و بدون آموختن و دانستن دانش، به یکباره ظرفیت وجودیش سراسر از نور مبین می گردد تا فروغی برای طالبان حق و حقیقت باشد.

استان آزاد مردی از دیار آفتاب، کربلایی محمد کاظم کریمی ساروخی رحمة الله علیه آن پیر مرد بی سواد، کشاورزی که مورد توجه حق تعالی قرار گرفته در پیش از بینات ملامال می گردد. سالیان است که در سینه های مردم خطه ساروخا، بلاد عراق عجم (استان مرکزی) نهفته است تا آنکه فرزندان ایشان حاج اسماعیل کریمی که پیشه اش آموزش و پرورش است. تلاشی وافر می نماید تا راز نهفته پدر را بر دیگر از زیر کتب تاریخی بیرون بکشد و الگویی از تربیت یافتگان مکتب نورانی اسلام را به نسل پس از انقلاب اسلامی معرفی نماید. تلاش های حاج اسماعیل که اکنون پیرمردی با کوله باری از معرفت الهی و عشق به قرآن می باشد به ثمر می نشیند و با کمک فرهیختگانی دلداده، در قالب چند عنوان کتاب راهی جامعه می شود. اما باید طرحی نو در اندازیم و با صدایی رساتر این کرامت عظیم را به مردم باز نماییم و ناگفته ها و ناشنیده ها را از دل تاریخ باردیگر باز کاوی شود.

به مدد الهی موسسه اصحاب الثقلین اراک (انجمن سابق قرآن و نهج البلاغه استان مرکزی) با آگاهی و شناخت به میدان تحقیق ورود می کند و با کمک گرفتن از همه ی توان بومی استان به رمزگشایی این واقعه بزرگ قرن می پردازد. و با برگزاری کنگره بین المللی حافظ قرآن کریم کربلایی کاظم

ساروقی و به مدد پژوهشگران و دلدادگان مکتب وحی ابعادی در این واقعه به ظهور می‌رسد. از جمله این تلاش‌ها، اجرای طرح تحقیقاتی طی مدت دو سال با عنوان بازنگری مستندات واقعه حافظ کل قرآن شدن آیت الهی کربلایی کاظم در یک لحظه می‌باشد که به سفارش انجمن قرآن و نهج البلاغه و مدد موسسه پژوهشی-آموزشی معارف اسلامی حسنا جمع‌آوری و تدوین می‌گردد.

نتیجه که در ادامه خواهد آمد حاصل زحمات و تلاش‌های مجری طرح سرکار خدام مهین محمدی و همکاران ایشان حجت الاسلام و المسلمین محمدحسن گودرزی، سرکار خانم ملیحه جعفری، آقای پیمان عین‌القضاتی می‌باشد که در این رسکد، گروه ناظر و همراهی نیز از ابتدا تا انتهای طرح ناظر راهنما و مشاور بوده‌اند. که برخلاف فرض می‌دانیم از این عزیزان: حضرت حجت الاسلام و المسلمین محمدحسن آستینانی، حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان، آقای دکتر فره‌داد امام جمعه، دکتر عباسعلی حیدری، دکتر امیر مومنی، آقای محمدرضا جعفری، دکتر صابر جباری، آقای علیرضا حاجعلی بیگی، حجت الاسلام و المسلمین علی‌علی‌نژاد و سایر عزیزان قدردانی نمایم. امید است این اثر بتواند در معرفی این مجتهد قرن که می‌تواند دلیلی بر اثبات حقانیت کلام وحی و خدشه ناپذیر بودن آن باشد گام مؤثری برداشته باشیم.

مؤسسه اصحاب الثقلین اراک

(انجمن قرآن و نهج البلاغه سابق)

زمستان ۱۳۹۵

چکیده

یکی از شنیدنی‌های جالب در مورد محققان قرآن، داستان شگفت‌انگیز کربلایی کاظم می‌باشد، که با إفاضه الهی، نور قرآن در اعماق جان او سکنی گزید.

او با تسلطی عجب و فوق‌العاده بر قرآن، این عنایت ربّانی را با پاسخ به سؤال‌های بسیار تعمّقی و سنگین آیات عظام، علما و دانشمندان، برای همگان به اجرا گذاشت تا یحمران یز از وجود این آیت که در او تجلی پیدا کرده بود آگاه و مطلع شوند.

این که کربلایی کاظم چه کسی بود؟ چه ویژگی‌های شخصیتی داشت؟ واقعه چگونه به وقوع پیوست؟ ویژگی‌های او چه بود؟ آیا شاهدان و مؤیدان بر این واقعه بوده‌اند؟ از جمله پرسش‌هایی است که با نگاهی بر گذشته و ورق زدن دفتر تاریخ و توصیف آنچه بر کربلایی کاظم اتفاق افتاده می‌توان به آن پاسخ داد.

بررسی عمیق و موشکافانه اسناد مکتوب و تأیید مراجع عالیقدر و شخصیت‌های مشهور دینی - علمی، خانواده‌ی ایشان، دوستان و آشنایان و اهالی محترم ساروق و در شهرهای مختلف از جمله اراک، قم، تهران،

نیشابور، کرمانشاه، مشهد، تویسرکان، ملایر، کنگاور و بسیاری از شهرهای دیگر، مؤید وقوع چنین فیض الهی است.

بدون شک ترویج این واقعه موجب اثبات حقایق دین مبین اسلام و تحریف ناپذیری قرآن، این معجزه جاوید الهی و هدایت بخش جامعه بشری است و همچنین گویای آن است که اگر برای جوان روستایی امی، ساده و بی‌تکلف، صادق و مطیع امر خدا، چنین توفیقی حاصل شده است، پس برای هر فرد دیگری که بتواند تسلیم امر الهی شود و برای جلب رضای خدا، عمل به اوامر او نماید معجزات راه تقرّب باز است.

مقدمه

وَالَّذِينَ خَافُوا فِينَا لَنْهَضِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت: ۶۹)

خدا ازلی و ثنای ابدی خدای سرمدی را سزااست که خالص ترین ثنای دائم و لازم، او را سزااست که الذی لا یدرکُه بُعدُ الهمم و لا ینأه غوصُ الفطن (نهج البلاغه - ج ۱) و ما سوی را به بارگاه هویت مطلق او راهی نیست که کَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ غَايِهِ صَمْتُ الْعُقُولِ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ (بحار الانوار - ۱۷۶: ۸۷) و در عین رفعت و عظمت (حدید: ۲) چرا که از انوار پاک آمده است که یا مَنْ سَمِيَ فِي الْعِزِّ فَقَاتِ نَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ وَ دَنِيَ فِي اللَّئِبِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ (بحار الانوار - ۴۹: ۸۲) هم دورم و هم از تو فاصله مرا نیست.

تجیت و درود ناب و سره، کون جمعی را رواست که عرفان وی در تعلّم اسمای حسنی، از مشهد معروف آغاز و تعریف و عارف پروری او در انبای ملائکه ظهور یافت. و سلام بر جانشین پاکش به ویژه حضرت حتمی، امامت و ولایت، آن که و إِنَّمَا الْبَائِمَةُ قُوَامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَ عِرْقَاؤُهُ عَلَى سِيَادِهِ وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ (نهج البلاغه - خطبه ۱۵۲)

امید آن که مسطور حاضر مستور از اهریمن وهم و خیال در قلم و اندیشه و مصون از هوی و ریا در حیطه ی انگیزه باشد تا مقبول الهی شده باشد. چرا که او تبارک است و تعالی جز علم صائب و عمل صالح را نپذیرد. إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ

اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (مائده: ۷۷) و ایشان جز طیب و زکی را قبول نمی کند. فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ (آل عمران: ۳۷) و قبول الهی با صعود مقبول از درگاه تکلیف به بارگاه تشریف است مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ (فاطر: ۱۰) و صعود طیب، مقدمه ی نیل و وصول صاعد به بارگاه قدسی و ربوبی است.

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

چه مبارک سحر بود و چه فرخنده شبی

آن شب قدر که این تازه براتم دادند

(دیوان حافظ: غزل ۱۸۳)

اکنون که اندیشوران و خردورزان و عاشقان کوی یار همت نموده جهت تکریم و تعظیم شخصیتی پاک و نورانی و مسجرات از قدح معرفت الهی یعنی آیتی از آیات الهی در عصر خویش، صاحب کربلایی کاظم کریم (ساروقی) «نور الله قبره بنور القرآن» دست به اقدامی خدادادانه زده، از هیچ ایثاری دریغ ننموده اند ضمن سپاس از همت والای آنان و تعالی آن عزیزان که ریشه در محبت قرآن و عترت (علیهم السلام) دارد نکاتی چند را جهت تکریم ذکر نموده تا برای نگارنده و خوانندگان تذکره و تبصره ای بوده باشد. همچنین از گردآورندگان مستندات این معجزه ی الهی در عصر حاضر که جدّ و جهد بلیغ خویش را جهت تعمیق باورهای دینی و قرآنی مبذول داشته اند کمال تشکر را داشته، قرائت آنان با صاحب قرآن کریم در حول

حوض کوثر و نوشیدن ریّ رویّ از زلال آن کوثر بی‌پایان را از حضرت دوست خواستارم.

گرچه هر سالک صالحی مظهر اسمی از اسمای حسّناى خداست، و نیل و وصول مظهر به (ظاهر) است که اسمی از اسمای خداوند است ولى هویت مطلق الهی مورد نیل و وصول احدی نخواهد بود، بلکه کُنه آن، مشهود هیچ موجود امکانی واقع نمی‌شود يُحَدِّثُكُمْ اللهُ نَفْسَهُ (آل عمران: ۲۸) زیرا موجود محالود، توان اکتناه نامحدود را ندارد ولى می‌توان به آن نیل پیدا کرد و نیل خدای سرّان به ظاهر قرآن مجید است، به معنای نیل تعینى از تعینات ذات بلکه تجلّی از تجلّیات او و وصول به اسمی از اسمای حسّنی الهی است که مظاهر آن بدانها نیل و واصل می‌گردند.

و از آنجا که مهم‌ترین وسیله تذکیه محفل و تزکیه روح و تصفیه نفس، وحی الهی است و کامل‌ترین مصداق آن قرآن کریم است که با عترت طاهری (علیهم السلام) هماهنگ است، برخی از طالب محوری آن از قبیل تلاوت، استماع، انصات، تدبّر، تحمّل معارف صریح و احتمال مسائل مستصعب و مانند آن درطی چند اصل ارائه می‌شود.

۱- از آنجا که نظام هستی بر پایه اصل علیّت است نظام علّی و معلولی در محدود طبیعت بدون علّت اعدادی و امدادی به نصاب هم نمی‌رسد پس باید در امور اداری انسان و هدایت اختیاری نصاب آن را کامل نمود همانگونه که در وجوب زکات رسیدن به حد نصاب ضرورت دارد اگر چه الله خالق کُلّ شی (زمر: ۶۲) إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (قمر: ۴۹) لکن حضرت باری که سبب سوز و سبب ساز است قابلیت را به طور ابداع در ظرف مستعد له ایجاد می‌کند

و فرد درس ناخوانده‌ای را به دلیل روح و زمینه طاهر ظرف معرفت نورانی‌اش می‌گرداند که:

از سبب سازیش من حیران شدم

و از سبب سوزیش سرگردان شدم

در تحقق این قابلیت ابداعی در گرو لیاقت فرد است هرچند پیدایش این لیاقت گاهی به مدرسه است و گاهی به جذبه نظیر انجذاب نگار مکتب نرفته‌ای که به غرض مسئله آموز صد مدرس شد.

نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت

غمزه مسئله آموز صد مدرس شد

و آنچه که در جریان تعلیم اسماء الهی نسبت به انسان کامل چون آدم و محرومیت فرشتگان از آن مگر به وساطت آدم مطرح است، نموداری از اشتراط تعلیم و تعلم به صلاح قابل و تمام استعداد است.

۲- نصاب استعداد به اموری از جمله هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی وابسته است چرا که معرفتی که به معرفت حسی و تجربی در محدوده‌ی مادی منحصر است و اکتفاء به آن انسان را به منزله‌ی کرم خاکی می‌داند که «حکمه حکم الدود الثئی فی باطن الأرض» (شواهد الربوبیه، صدرالمعالمین، مشهد خامس: شاهد اول) و معرفت ریاضی که از امور تجربیدی است نیز به کنه ذات راهی ندارد و نصاب استعداد وصول به او را ایجاد نمی‌کند.

تعقل فلسفی و تجربیدی محض نیز گرچه از معرفت حسی و معرفت ریاضی فراتر است اما در حد علم حصولی است «و کل مایمزموه بادق اوهامکم

و عقولکم فهو مخلوق مردود الیکم» در این میان شهود قلبی و علم حضوری مبنای شناخت عمیقی است که افاضه‌های غیبی در حد ارائه ملکوت و اشهاد برخی از اسرار مکتوم را به همراه دارد که در این رهگذر نه مجالی برای تصور است و نه جولانگاهی برای تصدیق در حریم ذهن است و نه تأسیس قیاس و استقراء و تمثیل. زیرا که این موارد در حریم ذهن است و شهود قلبی در کرم عین و موجود عینی نه از سنخ تصور است و نه از تصدیق چرا که اینها از مفهوم‌اند و موجود خارجی غیر از مفهوم است.

البته در رأس همه اینان معرفت و حیاتی معصومان (علیهم السلام) است که انبیاء و اولیاء الهی از وحی نبوی و ولوی برخوردار بودند که وحی، سلطان تمام علوم است و ملکیتی همه‌ی معارف و اصابت آن به واقع است و تطرّق سهو، نسیان، جهل، ذهول در آن مُحال است چرا که از عصمت بهره‌مند است و نیروی اعتصام آنان موهبت الهی است. الله أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ (انعام: ۱۲۴) و طهارت لازمه‌ی نبل به عبد الهی است همانگونه که در قوس نزول از مبدأ فاعلی، امانت الهی و عهد الهی - هر به افراد پاک نمی‌رسد در قوس صعود نیز از جهت مبدأ قابلی، جز طاهران از لرب نسیان و عصیان و پاکان از روّ طغری و تمرّد بدان نخواهند رسید. لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (واقعه: ۷۹)، کربلایی کاظم با اعراض غیر مطهّر طاهر شد و دیگران را به تطهیر کشاند.

۳- سیر و سلوک عارفانه انسان دلداده، به حضرت دوست در جاده‌ی معرفت لایزالی جهت سیر در مکانت، نه مکان و خروج از جهت، نه حرکت در آن می‌تواند انسان خاکی را از عرش کشانده. در سفر چهارم بعد از سیر از

خلق به حق و سیر در اسماء حسناى حق و آوردن پیامی از حق به خلق و در نهایت تدبیر خلق به هدایت حق به غیر از اینها جز کثر راهه نخواهد بود. فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ (یونس: ۳۲) و تلاش سالک در طبیعت به طبیعت دوری و باطل می نماید و گرفتار مغالطه‌ی مکان و مکانیت می گرداند که خود جهالت بدیه است که سیر جوان کوی شریعت و مواظبت بر طریقت و رهیافته‌ی حقیقت ما یعنی کربلایی کاظم اینگونه نبود. بلکه از طبیعت به فرا طبیعت بود، رسید آدمی به جایی که بجز از خدا نبیند.

۴- مأموریت اسیر سالک الی الله تطهیر باطن و دریافت معصومانه و اجرای امینانه حقیقت است. بر براق تقوی سوار شده از میان دو دال «دَد» اهتمام ورزیده، دادخواه خود را خلق شود که سوژه‌ی ما اینگونه بوده است که با مرکب تقوی و چراغ هدایت قرآن کران تا کران را در نور دیده از قریه‌ی ساروق به مدینه‌ی «عند ملیک مقتدر» راه یافت.

۵- خشیت الهی که خود سرمایه‌ی سیر الی الله و بگردانی از ناپسندی‌های محبوب و رویکرد به خواسته‌های دوست است او را سالک کوی بکاین نماید که حضرت ختمی مرتبت فرمود:

مَنْ أَوْتَى مِنَ الْعِلْمِ مَا لَا يَكِيكِهِ لَحَقِيقُ أَنْ يَكُونَ قَدْ أَوْتَى عِلْمًا لَا يَنْفَعُ لِأَنَّ اللَّهَ نَعَتْ الْعُلَمَاءَ فَقَالَ جَلٌّ وَ عَزٌّ: «إِنَّ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا تَنَلَّى عَلَيْهِمْ يَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا وَيَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَكُونُ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا» (أسراء: ۱۰۷-۱۰۹ و بحار الانوار / ۷: ۸۰ و بحار الانوار / ۷۴: ۷۹ و مکارم الاخلاق: ۴۶۲). این بُكاء ثمره‌ی اخلاص است چرا که تذکیه‌ی انسان بدون

تضحیه‌ی نفس جموح حیوانی میسر نخواهد بود که کشتن دیو نفس بدون
سلاحه البکاء میسور کس نخواهد شد.

پس رده‌ی هستی بدر تا برهی از بلا

زهر آجل نوش کن تا ز پی آرند قند

درد دلت راه دوا، کشتن نفس است و بس

ز آن که بسی درد را زهر بود سودمند

(عطار، قصیده ۱۲)

و جهت عبور از غار غرور و وصول به دار قرار، رهنمود اهل بیت وحی و
نبوت را رهنمون است، تعهد به شریعت پاک و نورانی نبوی و تلخیص و
تخلیص از شوایب عالم رده شریط راه که «مَنْ اخْلَصَ الْعِبَادَةَ لِلَّهِ اَرْبَعِينَ صَبَاحاً
ظَهَرَتْ يَتَابِعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَيَّ لِسَانُ» (بحار الانوار ۳۲۶:۵۳/ و نهج البلاغه ۱/۲۶۲)
که سالک مجذوب جهت رسیدن به منزلگاه جذبیه باید تمام اندیشه و
همت خود را مطابق شریعت الهی تنظیم کند و هیچ هوایی را در سر، و هوس
را در دل نپروارند که در آن صورت چشمه‌های حکمت، خدا از قلب او بر زبان
و بیان وی ساری و جاری می‌گردد و شخصیت عزیز و عظیم جناب کربلایی
کاظم (ساروقی) از کرب و بلای روزگار به تنگ آمده ندانسانان قلوب
ضعفاء را پشت گوش انداخته، و شریعت محوری را پیشه نموده، پنج هجرت
و هجران را بر خود هموار ساخته تا که «جَرَتْ مِنْ قَلْبِهِ عَلَيَّ لِسَانُهُ اَنْوَارُ الْقُرْآنِ»
و در نهایت قرآن مدار و عترت (علیهم السلام) محور گشت چرا که او از راه تزکیه
نفس و تعهد به شریعت نبویه از شرح صدری برخوردار گشت و از تسلیم
قدسی برخوردار شده که قدر نفعات رحمانی را دانسته به هدر نداد که قال

رسول الله (ص): فی ایام دهرکم نفحات الا فتعرضوا لها (بحار الانوار / ۶۸: ۲۲۱) و در بیداری یا رؤیای صادق‌ه‌اش که از هر بیداری هوشمندانه‌تر است از اسرار عالم مطلع شده است.

تجلی اعظم تدوینی حق تعالی

امدی عوالم هستی با مراتب وجودی و لایه‌های هستی تجلی از تجلیات آن مجلان حق هستند که تجلی اعظم او در ساختار هستی تکوینی حقیقت محمدیه (ک) تجلی اعظم تدوینی که جز کتاب تکوینی نیست به نحو قرآن کریم به ظهور رسد و این تجلی در عصر غیبت آن یار سفر کرده، بزرگترین تجلی است که بر قلب صاف و آرایش کربلایی کاظم به ظهور نشست و بسیاری از شبهات را همچون کف در میان برد فاما الزید فیذهب جفاء (رعد: ۱۷) و تجلی قرآنی بر انسان امی متقی به تقوای الهی میسور گشت چرا که تقوی مهم‌ترین عامل تقرّب و شرط شاگردی الهی است و علم نسبت به خدای معلّم است یا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَنْتُمْ تَتَّقُونَ (بقره: ۲۱) اساسی‌ترین شرط صلاحیت شاگردی خداوند، پرهیزگاری است اتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (بقره: ۲۸۲) متعلّمی که فیض الهی خداوند را در قلمرو عین تلقی نمود، فوز آن‌ها را در منطقه علم فرا میگیرد جامع بین علم و معلوم می‌گردد و مدار اصیل تعلیم الهی نسبت به اتقواء همان اسماء حسنا خداوند است که مصداق کامل تعلیم است و در اثر بی‌نیازی از ذکر مصداق وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا (طه: ۱۲۴) می‌شود. و اگر کسی در ساخت قرآن، ادب عبودیت را نسبت به نوای ربوبی حفظ کرد و در قبال

نفعی رحمان از خود دم بر نیاورد و إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (اعراف: ۲۰۴) زنده می شود و از آن قفل می رهد و با اشاره ی وحی الهی دینه ی او شکفته می گردد و توان تدبیر در آیات الهی نصیب او می شود، و یا این دل، مایه خزاین قرآنی را می گشاید و با حظّ از آن، دافین دیگری از نهان خانه ی جان می شکفند و با معرفت برتر، مجدداً به خدمت خزاین قرآنی می رسد و این سعی ساعی را بین صفای وحی و مروه ی دل همچنان ادامه می دهد و به غرر آیات قرآنی که پیرامون توحید خداست می رسد و در آن مقطع خاص، سعی مادی را به هروکله تبدیل می نماید تا به قصور خود و سایر ماسوی آگاه می گردد و تقصیر می نماید، یعنی از غیر خدا منفصل و به قرب الهی متصل می شود و زاد و بوم برای منتظران آن تعامل متقابل محمود، و این سعی و تقصیر، حیات مسود را همراه می آورد و شجره ی طوبای وجودش بار و بر تازه تر از تازه تری را به بار می آورد و ماندنی می شود و در افق حیات همانند ستاره ی به درخشش آیه ی خود ادامه می دهد چرا که اهل سلوک نبود ماندنی نبود.

تا خون نکنی دیده و دل پنجه سال

هرگز ندهند راهت از کمال به حال

(دیوان ارجاس کرمانی)

اینجاست که کوثر حیات بخش وحی مرده را زنده می کند، بیمار را درمان، سالم را کامل و او گذاشته از ماه الحیات، ماء معین نیز می باشد یعنی حیات ساری و إحيای جاری، به طوری که اگر جایی این حیات برین را فاقد بود آنجا مرده است و آن دل قریه ی تاریکی بیش نیست. گذشته از ادراک

مفهوم ذهنی مرگ و زندگی در مرحله‌ی مفهوم عبور از مرحله‌ی علم الیقین به عین الیقین مرگ است که در حال احتضار نصیب انسان مهاجر و منتقل از دنیا به برزخ می‌شود و دیگری گذر از عین الیقین به حق الیقین مرگ است که شخص محتضر بعد از عبور از دوران احتضار آن را کاملاً می‌چشد کُلُّ نَفْسٍ ذَاکِرَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (عنکبوت: ۵۷) چه این که جریان دوزخ نیز همین سه مرحله را دارد، حقیقت حیات و بهشت نیز این سه مرحله بود و خواهد بود و بر انسان با تقوی است که در ظلّ اهتمام به قرآن کریم یا همراهی خضر ولایت این مراحل را طی کند.

و تنور نور قرآن کریم بر امامزاده بر قلب کربلایی کاظم خود اشاره به این دارد وَأَتُوا الْيَتِیْمَ مِنْ أَرْبَابِهِمْ قَرَّةً (که در همه‌ی موارد وساطت واسطه محفوظ است).

همچنان که ذوات مقدس مصومین واسطه العقد سلاسل انسان‌های کامل‌اند که همتای قرآن و رهنمون به قرآن‌اند که انی تارک فیکم الثقلین کتابُ الله و عترتی (مستدرک الوسائل/ ۳: ۳۵۵ و بحار الانوار/ ۳: ۱۰۹).

انسان با تقوی و ویژه‌ی خود حیات قرآنی را از طریق ولایت در تمام هویت اصیل خود می‌یابد و با آن می‌اندیشد و تصمیم می‌گیرد در سانی که اندیشه و انگیزه‌ی او هر دو قرآنی می‌شود و آسمان وحی نه تنها در اوج معرفت است نیل به آن نیز ویژه طاهران است که إِنَّهُ لَقُرْآنٌ کَرِیمٌ فِی کِتَابٍ مَّکْنُونٍ لَا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (واقع: ۷۷-۷۹) و طاهران در قلمرو علم و عمل بلکه در حصن حصین الهی‌اند و هرگونه سوء قصدی نسبت به آن وحی، با شهاب قرآنی دفع می‌شد و همواره از تناول کثر اندیشان و محرّفان مصون خواهد ماند که فَمَنْ

يَسْمَعِ الْآنَ يَجِدُ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا (جن: ۹) و آنان که بهره‌مند از دولت قرآن می‌باشند گاهی چنان می‌سرایند:

کاین طفل به یک شبه ره صد ساله می‌رود (دیوان حافظ: غزل ۲۱۸)
و زمانی دیگر چنین می‌سراید:

یک بیت از این قصیده به از صد رساله بود
(دیوان حافظ شیرازی: غزل ۲۱۴)

این گونه از بارقه‌ها که در سیره‌ی علمی و عملی بزرگ مردان تاریخ رخ می‌دهد محصور رضای به قضای الهی و تخضع در پیشگاه اوست. لذا می‌توان گفت:

بر وفق رضای حق رسان روز به شب

تا آمد بر دُشمنی عربی بر خیزی

کسی که چنین لامعی بهره‌مندی را شد، از منطقه‌ی موجودهای ناقص پرواز نموده به مرز مستکفی می‌رسد.

یونسی دیدم نشسته بر لب دریای مثنوی

گفتمش چونی، جوابم در برقانون خویش

گفت بودم اندر این دریا غذای ماهی

پس چو حرف نون خمیدم تا شدم ذوالنون خویش

(کلیات شمس: غزل ۴۴۰)

در واپسین کلمات نکاتی ضروری می‌نماید که جهت رهپویی جوانان، ضروری و ترهیب از رهنان لازم است. مهم‌ترین راه مبارزه با کژاندیشی و کژپویی، پژوهش درباره‌ی انسان‌شناسی، خداشناسی، معادشناسی، وحی و

نبوت شناسی و در یک کلمه قرآن شناسی به معنای جامع است که ممکن نیست مگر به طهارت باطن و دل داده به سروش و حیانی قرآن که ثمره اش از گوش به آغوش رسیدن است.

دردی که به افسانه شنیدم همه از خلق

از علم به عین آمد و ز گوش به آغوش

(دیوان سنایی غزنوی: غزل ۲۰۹)

باید اسماء را قبل قرآن یعنی اهل بیت پیغمبر هستند که اُتِم الصراط الاقوام (من لایحضر الفقه ۶۱۳) و دل سپردن به قیل و قال های عارف نما و صوفی مسلک ره به جایی نمی برد و امثال کربلایی بدین طریق که اهل فرقه های رهزن ادعا دارند ره سپردند بلکه وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت: ۶۹) و آب و لباب همه ی مطلب منظوم و منثور، بلکه اصل همه ی آنها، جمله ای از مناجات شعبانیه ی اهل بیت عصمت طهارت (علیهم السلام) است که امام راحل (ره) همواره به آن عشق می ورزید و بر آن اعتماد می نمود و بدان استناد می کرد و تحریر و شرح آن را توصیه می نمود. اِلٰهِيْ هَبْ لِيْ كَمَالِ الْاِنْقِطَاعِ اِلَيْكَ وَ اَنْزِرْ اَبْصَارَ قُلُوْبِنَا بِضِيَا كَرَمِكَ اِلَيْكَ حَتّٰى تَخْرِقَ اَبْصَارُ الْقُلُوْبِ حُجُبَ النُّوْرِ فَتَصِلَ اِلٰى مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ وَ تَصِلَ اِلٰى خَسَائِفِ الْعُلُقَةِ بِعِزِّ قُدْسِكَ. (بحار الانوار - ۹۱: ۹۸)

سیره ی سلف صالح و سنت حسنه عارفان الهی، به ویژه حضرت امام خمینی (ره) تلاوت این مناجات و تدبّر در آن و استناده به سنت آن و ترغیب انس با آن و ترهیب حرمان از آن بود.

عرفان حقیقی در اسلام ناب محمدی (ص) یعنی اصول و فروع دینی که توسط حضرت ختمی مرتبت نازل شده، مطابق شریعت غرای نبوی است که به صورت قرآن حکیم و عترت طاهرین تجلی داد و عقل استدلالی که منزّه از قیاس و خیال، گمان و وهم است، چراغ صراط دین است تا با آن سراج، این صراط دیده و پیموده شود، چه این که شهود ناب که محصول تزکیه نفس برابر شریعت است و نتیجه‌ی آن مطابق با احکام مآثور و سنت معصومان (علیهم السلام) است و عارف متعبد سرخ روی خویش را مرهون و سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (ن: ۲۱) می‌داند و گرنه افسرده و پژمرده خواهد بود.

خم که در راه نیست، هست خم از باد پر

خم بر از باد کی، سرخ کند روی‌ها

هست تهی خارها، نیست را بوی گل

کور بجوید زخار، لطف گل و بوی‌ها

و نباید به مدعی لاف زن، اجازه داد تا حقیقت را به مجاز هبوط داده،

سراب را کوثر پنداشته، ارائه دهد و عارف وارسته در دل چنین گوید:

ای دل بیا که ما به پناه خدا رویم

زان چه آستین کوتاه و دست راز کرد

فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید

شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد

(دیوان حافظ شیرازی - غزل ۱۳۳)

مولانا می گوید:

چون نماز و روزهات مقبول شد

پهلوانی، پهلوانی پهلوان

اثر حاضر که حاصل تلاش مخلصانه و مجدّانه سرکار خانم مهین محمدی
معماران صدیق ایشان در ساحت قرآن کریم است، اثری مفید و راه گشا و
الگو ساز جهت جوامع مسلمین به نحو عام و جوانان پاک نهاد به نحو خاص
می باشد.

توفیقات الهیه را از حضرت منزل القرآن و منزل القرآن خواستارم.
خداوندا نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و رهبری آن را در پناه قرآن
حفظ بفرما.

خداوندا ارواح مؤمنان و مومنات خصوصاً مرحوم کربلایی کاظم
کریمی (ساروقی) را با صاحب قرآن محشر ریفما.

خداوندا شهادی ما را با حقیقت قرآن قرین بگردان
خداوندا ما را در حیات و ممات و خیر و شر آنی بگردان.
والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

محمد مهدی گرجانی

قم مقدس - پاییز ۱۳۸۶